

چهارشنبه ۵ آبان ۱۴۰۰ ۲۰ ربیع‌الاول ۱۴۴۳ ۲۷ اکتبر ۲۰۲۱

اخبار

در پردیس تئاتر تهران برگزار می شود

جشن تجلیل از کارکنان و خانواده فرماندهی تیپ یکم امیرالمومنین یگان ویژه ناجا

به مناسبت گرامیداشت هفته نیروی انتظامی جشن تجلیل و تکریم از کارکنان و خانواده های فرماندهی تیپ یکم امیرالمومنین علی (ع)یگانهای ویژه ناجا در روزهای ۵ و ۶ آبان در پردیس تئاتر تهران برگزار می شود.

به گزارش روابط عمومی پردیس تئاتر تهران این مراسم با حضور سرتیپ دوم ستاد سید رضا موسوی اعظمی فرمانده تیپ یکم امیرالمومنین علی (ع) یگانهای ویژه ناجا و سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین مقیم بیگی رییس عقیدتی ایاسی و سرنخست محمد احمدی رییس حفاظت اطلاعات این تیپ برگزار می شود و از بخشهای متنوعی از قبیل قرائت قرآن و اجرای زنده سرود ملی توسط گروه موزیک تیپ یکم امیرالمومنین علی (ع)یگانهای ویژه ناجااجرای موزیک توسط همین گروهنامیها کودک و مسابقه خانواده با حضور احسان مهدی،اجرای موسیقی نواحی آذری به سرپرستی عاشیق سلجوق شهبازی،اجرای رجز خوانی نظامی،و نمایش کمدی برنامه های این مراسم است.

توسط نشر نو؛

ترجمه‌ای دیگر از «روز ملخ» ناانلیل وست منتشر شد

رمان «روز ملخ» نوشته ناانلیل وست به‌تازگی با ترجمه علی کهریباوند نشر نو منتشر و راهی بازار نشر شده است. از این‌رمان طی روزهای مه‌رماء، ترجمه دیگری به‌قلم فرید دبیرمقدم توسط نشر ماهی منتشر شد.

این‌کتاب چهارمین و آخرین اثر ناانلیل وست‌نویسنده آمریکایی است که مدت کوتاهی پس از انتشارش در ۳۷ سالگی همراه همسرش در تصادف رانندگی کشته شد. این‌اتفاق روز ۲۲ دسامبر ۱۹۴۰ یک‌روز پس از مرگ اسکات فیتزجرالد نویز نزدیک این‌نویسنده رخ داد، اما به خلاف فیتزجرالد که آن‌زمان نویسنده شناخته‌شده‌ای بود، ناانلیل وست در زمان مرگ، یک‌نویسنده گمنام محسوب می‌شد. منتقدان محافظه‌کار و راستی، آثار او را بیش از حد نهنیپستی و اخراجرآزمایی می‌خواندند و منتقدان رادیکال و چپ هم نوشته‌های او را طنزآمیزتر از آن می‌دانستند که در گروه آثار جدی و ضدفاشیستی دهه ۱۹۳۰ جا گیرند.

وست در برهه‌ای از زندگی خود به هالیوود رفت و مشغول فیلمنامه‌نویسی شد. این‌نویسنده پس از آشنایی با واقعیت‌های هالیوود، آن را کارخانه رویابازی یا اشفاللدانی رویاهای نامید. او گرچه گرایشات چپ داشت، اما در رمان «ملخ» خود این گرایشات را که در ادبیات متعهد و رالیسم سوسیالیستی دهه ۱۹۳۰ آمریکا جریان داشت، به کار نیسته است. در داستان ملخ شخصیت‌هایی حضور دارند که فریب‌خورده‌اند. آن‌ها اهل مناطق سردسیر آمریکا هستند که پس از یک کدمر، کار سخت و نیک‌نواخت با پس‌انداز یک بارچ که به کالیفرنیا می‌رود، یعنی یک‌منطقه آفتابگیر می‌آیند. قصدشان هم غرق‌کردن خود در رویاهایی است که هالیوود نشان‌شان داده است.

در ادامه داستان، مهاجرانی که از مناطق سردسیر به کالیفرنیا می‌آیند، با واقعیتی روبرو می‌شوند که با وعده‌های هالیوود همخوانی ندارد و همین‌مساله موجب سرخوردگی‌شان می‌شود. به‌همین‌دلیل سعی می‌کنند سرخوردگی و ملال‌شان را به‌نوعی چاره کنند اما موفق نمی‌شوند…

ترجمه نشر ماهی از این‌کتاب، از روی نسخه‌ای انجام شده که سال ۱۹۹۷ در کتابخانه آمریکا در نیویورک موجود بوده و ترجمه نشر نو براساس نسخه‌ای انجام‌ده که سال ۱۹۹۲ توسط انتشارات رندوم هاوس در آمریکا منتشر شده است. در بخشی از علی کهریباپی از این‌رمان می‌خوانیم:

تاد ادای لاقیدی او را درآورد و گفت: «ها، باشه برای بعد».
فی خندید، بعد جاپودری‌اش را درآورد و به درست‌کردن لب‌هایش مشغول شد. آماده که شد، در باریکراهی که ادامه جاده خاکی بود راه افتادند. اِزل جلو می‌رفت، فی پشت سر او، تاد هم از عقب می‌آمد.

بهار در اوج خود بود. راه به ته دره تنگی می‌رسید و هرجا علف‌های هرزه در شیب تند فرصت یافته بود، گل‌های ارغوانی و آبی و زرد داده بود. کناره راه پر از خشخاش‌های نارنجی بود. گلبرگ‌هایشان مثل بارچه کرب برپتین و چروک بود و بر برگ‌هایشان غبار پودرمانندی سنگینی می‌کرد.

رفتنند تا به دره دیگری رسیدند. این دره گل و گیاه نداشت، اما زمین بایر و صخره‌های دندانه‌دندانه‌اش، رنگ‌های خنثی درخشان‌تر از گل‌های دره اولی داشت. کوره‌راه نقره‌فام بود و با رگه‌هایی خاکستری-صورتی رنگ‌آمیزی شده بود؛ و دیواره‌های دره فیروزه‌ای بود و ارغوانی و شکلاتی و بنفش. خود هوم صورت تند بود. به تماشای مرغ مگس‌خواری ایستادند که زاغ کبودی را دنبال می‌کرد. زاغ کبود، جیغ‌زنان جولان می‌داد و دشمن کوچکش همچون گلوله‌ای یاقوتی دنبالش می‌کرد. پرنده‌های بزرقریوبرق فضای پرتنش و نگار را از هزاران ذره درخشان مثل پولک‌های رنگارنگ جشن‌ها پر کرده بودند.

از این دره که بیرون می‌شد، زیر پاشان دره کوچک سبزی دیدند با انبوهی درخت که بیشترش کالیپوتوس بود، با تکت و توک سپیدار و یک بلوط ویرجینیایی سیاه تنومند. پس از قدری سر خوردن و لغزیدن در بستر نه‌ری خشک و شیب‌دار، وارد دره شدند.

تاد مردی را دید که در کناره جنگل ایستاده بود و نزدیک شدن آنها را متماشا می‌کرد. فی هم او را دید و دست تکان داد. این‌کتاب با ۲۱۶ صفحه، شمارگان هزار و ۱۰۰ نسخه و قیمت ۵۵ هزار تومان منتشر شده است.

انتشارات ندای تاریخ کتاب «تاریخ ملک‌آرا: چگونگی به قدرت رسیدن قاجارها» نوشته میرزا علی‌قلی بن محمد چلاوی (اقبال) را با تصحیح جمشید قائمی و رامین یلفانی و همکاری شقایق فتحعلی‌زاده و رقیه آقابابا‌زاده، در شمارگان ۵۰۰ نسخه، ۵۱۰ صفحه و بهای ۱۶۰ هزار تومان منتشر کرد.

«تاریخ ملک‌آرا» مربوط به مقطعی حساس و مهم از تاریخ ایران است. در این کتاب وقایع از اواخر دوران صفوی تا سال ۱۲۰۹ق در آن به رشته تحریر کشیده شده است. علت نام‌گذاری را مؤلف آن یعنی میرزا علی‌قلی بن محمد چلاوی متخلص به «اقبال» به قاجار و حاکم مازندران اعلام کرده، چرا که کتاب به دستور این شاهزاده نوشته است.

«تاریخ ملک‌آرا» بر اساس سه نسخه تصحیح شده است، این سه نسخه عبارتند از: نسخه کتابخانه ملک، نسخه کتابخانه ملی و نسخه کتابخانه مجلس. در تهیه کتاب نسخه ملک اساس مطالعه قرار گرفته است. در مددودی، مطالب و اصطلاحات و اسامی که نسخه ملک و دو نسخه دیگر تفاوت داشت، دو نسخه مجلس و ملی ملاک قرار گرفته شده است. اغلاط املایی درون متن در زمان خوانش و تایپ تصحیح شده و اصل آن در پاورقی آمده است.

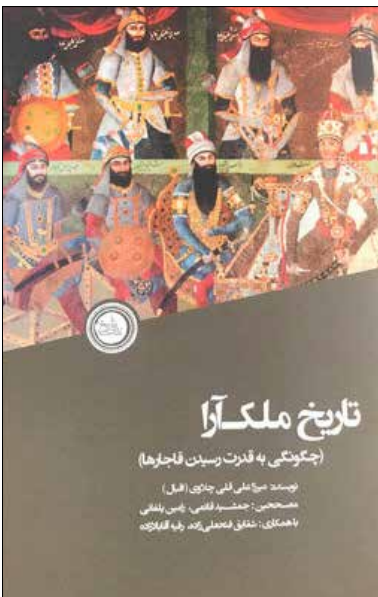
کتبی که قرار بود دو جلد باشد اما نویسنده‌اش میانه تالیف کشته شد

اقبال چلاوی در فهرست «تاریخ ملک آرا» چنین می‌نویسد، که مینا را بر دو مجلد نهاده بود. در مجلد اول به بیان انساب اتراک و به‌خصوص ایل قاجار و وقایع دوران اجداد فتحعلی شاه تا پایان زمامداری آقامحمدخان و در مجلد ثانی به شرح وقایع دوران فتحعلی شاه اختصاص داده است؛ اما وجود مجلد دوم تا این زمان هنوز بر کسی معلوم نیست و اصلا دانسته نیست که تحریر شده باشد، فیتزجرالد نیز در هنگام توضیح وقایع سال ۱۲۰۹ق و لشکرکشی اول آقامحمدخان به قراغاب، به ناگهان متوقف شده و حتی به قفسیه تفاهم او با ابراهیم خلیل خان جوانشیر هم اشاره نشده است.

از آنجا که این کتاب به دستور «محمدقلی میرزا ملک‌آرا» حاکم مازندران نوشته شده، بنابراین مؤلف بسیار سرسپرده سلسله قاجار بوده و یکسره چه به نظم و چه به نثر، از آنان تعریف و تمجید می‌نماید و آستان‌بوس درگاه ایشان بود.

میرزا علی‌قلی متخلص به «اقبال» اهل چلاو آمل بود. وی در جوانی به کرمانشاه رفت و به تحصیل پرداخت و در همان شهر به سمت منشی‌گری شاهزاده محمدعلی میرزا دولتشاه قاجار رسید، سپس دولتشاه به همدان رفت. پس از آن در تهران به مدت دو سال ندیم علیرضا میرزا شهره پسر فتحعلی‌شاه بود تا آنکه همایون میرزا (پسر شانزدهم فتحعلی‌شاه) مأمور حکومت نهبوند شد و اقبال چلاوی به مدت دو سال در خدمت او باقی ماند.

آن طور که نوشته‌اند اقبال چلاوی در سه سال آخر عمر، ندیم محمدقلی میرزا ملک آرا پسر سوم فتحعلی‌شاه و حاکم مازندران بود و در این زمان بود که به فرمان او این کتاب تاریخ را تألیف کرده است. اقبال چلاوی در مقدمه همین کتاب می‌نویسد که دستور نگارش این کتاب را محمدقلی‌میرزا ملک آرا به او داد و او که کتاب «احسن‌التواریخ» محمد ساروی را در تاریخ قاجاریه کامل می‌دانست، فروتنانه نوشت: «... مرا چه حد که در آن عرصه



جلوه آغازم. همانا سامری را در ساحری با معجزات کلیمی ظفری نماند و ماه منور را در اژه مهر منور خطری، سپها را در معرض خورشید ضیایی نیست و گدا را در محفل جمشید.»

اما ملک‌آرا اعلام داشت که کتاب ساروی ایراد و اشکال زیاد دارد: «به علت نقصان استحضار یا فقدان اقتدار، مجاری اوضاع اجداد گرام را ایراد نمود و مآثر خاقان شهید را که مقصد اصلی و مطلب کلی بود، به نحوی که شاید به حیز تحریر نیایرد و غزوات غرا و فتوحات عظمی آن پادشاه ستوده انجام را که از عجایب شهر و اوعام است در سلک کتابات انتظام ندارد.»

شاهزاده در نهایت اقبال چلاوی را مأمور کرد تا کتابی بهتر از او تدوین کند: «اولی و انسب و به صواب اقرب چنان می‌نماید که در ایراد آثار و اخبار این سلسله جلیل مبالغت‌ورزی... مناقب و مفاخر دولت حضرت صاحبقران را موجزترین عبارت و مختصرترین اشارتی از چشمه‌سار خامه جاری داری...».

بنابراین اقبال چلاوی دست به تألیف این کتاب زد. او در سال ۱۲۹۸ق طی نزاری در زادگاهش چلاو به قتل رسید و جسدش را به چاهی انداختند و شاید علت ناتمام ماندن تحریر این کتاب ناشی از همین واقعه بوده باشد. اقبال چلاوی در فن شاعری پیرو سبک خراسانی بود و ابیاتی که در این کتاب تحت عنوان «لراقعه» آورده، این موضوع را تأیید می‌کند.

فتحعلی شاه از تاریخ‌نگاری زمان خود ناراضی بود

در اوایل دوران قاجاریه، آغامحمدخان و فتحعلی شاه علاقه خاصی به تاریخ و تاریخ‌نویسی از خود نشان دادند. از جمله موضوعاتی که در تاریخ‌نویسی این دوره بر آن تأکید می‌شد تبار سلطنتی بود که اصرار در رساندن آن به فاتحان مغول و تیموری و تمرکز بر فعالیت‌های پادشاهان و دولتمردان و حکام داشت؛ اما با چنین به‌انداز می‌رسد که فتحعلی شاه، چه در دوره ولیعهدی و چه در دوران پادشاهی، از کتب تاریخ معاصر خود راضی نبوده و افرادی چون محمد ساروی را مأمور نگارش سوانح زمان خویش و عم و جدش کرد. بعدها معلوم شد کتاب ساروی هم جایگاهی در خور نیافت و همان‌طور که قبلا اشاره شد، ملک آرا اقبال چلاوی را مکلف به نوشتن تاریخ قاجاریه‌ای

توسط انتشارات ندای تاریخ؛

تاریخ ملک آرا» منتشر شد

بهتر از تاریخ محمد ساروی کرد. اما سبک و اسلوب تاریخ‌نگاری همین کتاب تاریخ ملک‌آرا نیز همانند «تاریخ محمدی» (احسن‌التواریخ) ساروی است و مشحون از تکلف و تصنع و انواع جناس لفظی است، به‌طوری که اصل خبر و حادثه علاوه بر اینکه فدای صنایع ادبی و پیچیدگی‌های نثر فنی می‌شود، سکالت بار هم می‌شود و حتی گاهی خواننده با حالتی سردرگم، روشن کلام را از دست می‌دهد.

مطالب این کتاب علیرغم ادعای نویسنده آن، اقبال چلاوی، و ولی‌نمشنش محمدقلی میرزا ملک‌آرا چندان تفاوتی با متن کتاب «احسن‌التواریخ» یا «تاریخ محمدی» ساروی ندارد، حتی استعارات و تشبیهات و اطباء بیش‌تری دارد و داد همسری با آن و دیگر آثار هم‌زمان چون تاریخ گیتی‌گشا و گلشن مراد می‌زند. مؤلف از کتب مذکور به‌خصوص «تاریخ محمدی» ساروی در تدوین تاریخ خود بهره برده است. حتی دیدگاه‌های اقبال چلاوی و ساروی در قضاوت‌هایشان و گزارش‌های تاریخی و نگاه یک سویه و جانبدارانه مانند یکدیگر است. مثلاً قتل‌عام کرمانیان را به حکم قضا و قدر و نتیجه دشمن‌پرستی و کینه توزی آنان با آقامحمدخان قاجار و نتیجه طبیعی اعمال و رفتار لطفعلی خان و مکافات اعمال او می‌دانند، اما گاهی هم اقبال چلاوی به ساروی بابت برخی لغزش‌های کتابش می‌تازد و مثلاً مصر است که سال تولد فتحعلی‌شاه ۱۱۸۵ از است نه گفته ساروی که ۱۱۸۳ ق را آورده است.

مؤلف کتاب تاریخ ملک‌آرا افکار و عقاید تندّی علیه نادرشاه افشار و خاندان او ابراز کرده است و علت آن همانا بدرفتاری او با قاجارها و سران آنها و کشتن فتحعلی‌خان قاجار بود. اما برای پادشاهان آخری سلسله صفویه مانند شاه سلطان حسین و شاه طهماسب دوم و شاه اسماعیل سوم، قداست و مظلومیت قایل بوده است.

دشمنی تاریخ‌نگار با سلسله زندیه

اقبال چلاوی به طور طبیعی نقطه مقابل مورخی چون ابوالحسن غفاری کاشانی صاحب گلشن مراد، نویسنده دربار زندیه بود و به هیچ وجه نظر مساعدی نسبت به خاندان زند نداشت. او واقعه درگذشت کریم خان، سرسلسله زندیه را چنین ثبت کرده است: «چون شاهین قدر به مخلص اقبال مرغ روح وکیل را شکار کرد هنوز آن جیفه در میان بود که الوار شناعت اطوار زند به مقتضای شमित ناپسند به دایعه مهتری و بویه سروری کرکس‌وار... سر بر آورده بساط فتنه و آشوب بسط کردند». در حالی که مؤلف گلشن مراد همین واقعه را چنین روایت کرده است: «داعی حق را لبیک اجابت گفته به مؤذی کل شی یرجع الا اصاله به مقر اصلی رجعت فرموده، جواهر قلوب عبدالله را به منتقین این مصیبت جانسوز غم اندوز سفینه طاهر روح پرفتوحش، ریاض جان شنافت.»

او ویژگی‌های این کتاب اینکه به بعضی جزئیات از زندگی و اقدامات حسینقلی خان جهانسوز برادر آغامحمدخان قاجار پرداخته که در دیگر منابع اولیه قاجار، کمتر به آن اشاره شده است، از جمله نامه او به کریم‌خان زند درباره تعذیب و اضرار ایل قاجار توسط خان زند. همچنین وقایع مناطق شمالی ایران از زمان سقوط اصفهان به دست افغان‌ها (۱۱۳۵ق) تا روی کار آمدن آقامحمدخان، بیشتر در این کتاب شرح داده شده تا مئون هم‌عصر آن.

همچنین ذکر این نکته نیز خالی از فایده نیست که علیرغم اینکه اقبال چلاوی خود

دستی بر مطالعات و آگاهی‌های فلسفی و متعلق و هیئت داشته، معذالک این کتاب تاریخ او نیز شبیه اکثر تواریخ رسمی و حکومتی، سخنی و اشاره‌ای به زندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مردم آن زمان ندارد، حتی ذکری نیز از بزرگان ادب و علمی‌مهم دین و مذهب آن عصر، در آن نشده است. می‌توان گفت برخی کتب معاصر آن چون «گلشن مراد» از این جهات رجحان دارند. از تمام این اوصاف اما «تاریخ ملک آرا» از بسیاری جهات خواندنی است و ضرورت دارد که برای درک تحولات عصر انتهای صفوی تا به قدرت رسیدن سلسله قاجاریه این متن نیز مطالعه شود.

بخشی از مقدمه مصحح بر «تاریخ ملک آرا»
رامین یلفانی که عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام (ره) است در بخشی از مقدمه خود بر این کتاب درباره نسخه‌های خطی و شیوه تصحیح این کتاب چنین نوشته: «از کتاب تاریخ ملک‌آرا سه نسخه در کتابخانه‌های ملک، ملی و مجلس موجود است. نسخه موجود در کتابخانه ملک با شماره ۴۱۶۱ و خط نستعلیق و با مشخصات ۱۷۲ ورق چرمی و اندازه صفحات ۲۵×۲۰ و شمارگان ۳۴۴ صفحه ثبت شده است. در این تصحیح نسخه کتابخانه ملک اساس قرار گرفته است و در مواردی که متنی و یا کلمه‌ای اختلاف با دیگر نسخ وجود دارد در پاورقی به آنها اشاره شده است. در ارجاعات برای سهولت در کار از ذکر عبارت «نسخه» اجتناب شده و نسخه مجلس = ن مجلس، نسخه ملی = ن ملی و نسخه ملک = ن ملک به کار رفته است.

ابن یوسف شیرازی در مجلد دوم فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، درباره این کتاب می‌نویسد، که اقبال چلاوی وقایع را تا آخر شعبان ۱۲۴۴ ق به رشته تحریر کشید، اما این فهرست‌نوس پایان نسخه را ندیده است که بداند وقایع تا سال ۱۲۰۹ق نوشته شده و سپس ناگهان رشته نسخ قطع شده است. علت آن این است که فهرست‌نوس مذکور به نوشته مؤلف در فهرست مطالب کتاب توجه داشته است. مؤلف، متن کتاب را ملو از اشعار شروای مختلف نموده که اشعار اوحدالدین محمدانوری شاعر قرن ششم هجری قمری جایگاه اول را دارد و گویا به این شاعر ارادت ویژه‌ای داشته است. به نظر می‌رسد اقبال چلاوی، بسیاری از آیات قرآن کریم و اشعار انوری و سایرین را با تکیه بر حافظه خود در متن آورده است و در اکثر موارد کلمات آیات و ابیات جابه‌جا بوده و کلمات دیگری جایگزین کلمات اصلی شده است و یا با غلط‌های فراوان دیده می‌شود که پس از مراجعه به قرآن و دیوان‌های مربوطه، صورت صحیح آنها آورده شد، همچنین کلمات، اصطلاحات، اعلام و اسامی خاص که سهوا غلط آمده بود با مطابق تحرییر قدیم آورده شده بودند (مانند نام تهران که به صورت طهران آمده بود) صورت صحیح و امروزی آن در متن گنجانیده شده است. جملات عربی مغلوط نیز تصحیح شده است. در برخی نسخ سه گانه این کتاب، اضافات یا افتادگی‌هایی در متن وجود داشت که با انجام مقابله، این مشکلات برطرف شد. همچنین مؤلف تاریخ ملک آرا، در جای‌جای متن کتاب، به علت حذف افعال رابط و بریدیگی جمله‌ها و همچنین استفاده از افعال مفرد برای جمع، متن را تا حدودی از فصاحت خارج ساخته که برای حفظ امانت، این جملات به همان صورت اولیه باقی ماندند.»

اخبار

به بهانه چاپ دوم؛

چگونه «معلم اول» را بخوانیم و نظام فکری‌اش را درک کنیم؟

انتشارات علمی و فرهنگی چاپ دوم کتاب «ارسطو؛ راهنمای سرگشتگان» تالیف جان. ای. ولا و ترجمه محمود دریانورد را منتشر کرد. چاپ نخست این کتاب سال ۱۳۹۸ در دسترس مخاطبان قرار گرفته بود.

بیش از هزار سال ارسطو تقریباً در همه موضوعات، اولین مرجع در جهان غرب در نظر گرفته می‌شد. آموزه‌ها و افکار او مجموعه بخش‌هایی عظیم از موضوعات را در بر می‌گیرد و کمک‌های درخورتوجهی به همه زمینه‌های تحقیقاتی شناخته شده در جهان باستان کرده است. جان ولا در «ارسطو؛ راهنمای سرگشتگان» به بررسی زمینه‌های تاریخی، فلسفی و سیاسی می‌پردازد که نظریه‌های ارسطو در آن تکامل یافته‌اند. این کتاب شرح روشن و کاملی از کار و اندیشه این متفکر کلیدی عرضه می‌کند و طرح کلی ایده‌های اصلی او و راه‌هایی را نشان می‌دهد که از طریق آنها بر تاریخ فلسفه غرب تأثیر گذاشته‌اند. این کتاب با ساختار موضوعی، تمام آثار کلیدی ارسطو را در نظر می‌گذارد و برای نیازهای خاص دانشجویانی که نیاز به درک درستی از نظریه‌ها و ایده‌های او دارند، تنظیم شده است.

نویسنده در هر یک از این فصول به صورتی موجز و رسا نظام فکری و فلسفی ارسطو را شرح و بررسی کرده است و در پایان نیز نتیجه می‌گیرد که بررسی و مطالعه آثار به‌جا مانده از ارسطو ابتدای کار است و میراث فکری و فلسفی او جواهر حیرت‌انگیزی است که ما بدان دست یافته‌ایم اما هنوز چیزهای زیادی برای غور و مطالعه و تأمل در آن وجود دارد.

کسانی که هنوز مطالعه آثار یا آثار در پیرامون معلم اول تاریخ فلسفه را آغاز نکرده‌اند، می‌توانند در قدم اول به کتاب جان. ای. ولا مراجعه کرده و پس از آن جلد نخست «تاریخ فلسفه» فردرک جازلز کاپلستون را بخوانند. پس از این دو کتاب می‌توانند به مطالعه آثار باقیمانده از ارسطو بپردازند.

در پشت جلد این کتاب می‌خوانیم: مجموعه بسیار عظیم و متنوع آثار مکتوب ارسطو تنها یک پنجم آن به دست ما رسیده است و به بخش اعظمی از کارهای او دسترسی نداریم. با این همه شاهراه درخشانی که وی در فلسفه گشوده است، مسیر تفکر بشری را الی‌الابد تمهین کرده است. در خصوصی آثار وی نکته مهم آن است که آثار برجای مانده به احتمال بسیار زیاد یادداشت‌های درسی وی هستند و بنابراین دستیابی به فهمی منسجم از فلسفه وی چندان آسان نیست. در کتاب حاضر مجموعه‌ای از نوشته‌های ارسطو بررسی شده است که در فعالیت فلسفی و علمی او نقشی بنیادین دارند. بنابراین کتاب حول پنج مفهوم انسجام یافته است؛ مفاهیمی که فهم آنها در نظر ارسطو، و لذا در تمام فلسفه ضروری است: جوهر یا اوسیا، طبیعت یا فوْزیس، معرفت یا اپیستمه، نفس یا پسوخه و نیکبختی یا ائودایمونیا.»

کتاب «ارسطو» را انتشارات علمی و فرهنگی در مجموعه راهنمای سرگشتگان «ساله» کرده و آن‌ها را روانه بازار نشر نموده است. دو عنوان از کتب انتشارات انقلاب اسلامی وابسته به دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) تجدید چاپ شدند.

چاپ دهم کتاب «دو امام مجاهد» اثر آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) که حاصل گردآوری و تدوین شش سخنرانی از ایشان در سال‌های ۵۱ و ۵۲ شمسی‌ست، روانه بازار کتاب شد. این شش گفتار، تحلیل مبارزات حسینی (علیهما‌السلام) در شامل می‌شود.

شرح نظریه‌ی «انسان ۲۵۰ ساله»، تبیین جایگاه والا و مهّم امام حسن (علیه‌السلام)، چرایی دست کشیدن از جنگ و علل پذیرفتن آتش‌بس و بیان تفاوت شرایط امام حسن و امام حسین (علیهما‌السلام)، تحلیل قیام حسینی، اهداف قیام حسینی و تحلیل ریشه‌های آن، تحلیل وضعیت دوران امام حسین (علیه‌السلام) و اقدامات ایشان از موضوعات اصلی این کتاب است. بخش پایانی این کتاب مربوط به سخنرانی شب عاشورای معظّم‌له در محرم سال ۱۳۹۳ هجری قمری (مصادف با ۲۴بهمن/۱۳۵۲) در هیئت انصار الحسین (علیهما‌السلام) است.

کتاب «گفتاری در باب صبر» حاوی سخنرانی‌های رهبر معظم انقلاب در سال ۱۳۵۲ در مسجد حرام مشهد مقدس، با موضوع صبر است که حاوی مطالب مفیدی در باب مفهوم صبر از نگاه قرآن و روایات است. این کتاب به چاپ سوم رسیده است. نکته جالب توجه اینکه سخنرانی‌های گردآوری شده در این کتاب، در زمانی بیان شده که هیچ امیدیه به تحقق حکومت اسلامی نبوده و مبارزان انقلابی، راهی طوفانی را برای خود متصور بودند. انتخاب موضوع «صبر» در آن دوران نشان از نکته‌سنجی رهبری در دوران مذکور بوده است. علاقمندان می‌توانند کتاب‌ها را از کتابفروشی‌های سراسر کشور یا از سایت انتشارات انقلاب اسلامی به آدرس www.book-khamenei.ir تهیه نمایند.

«برگ‌هایی از تاریخ ما» منتشر شد

میراث مارکسیسم در تونس



دوره پیش از ممنوعیت فعالیت آن (۱۹۵۶ – ۱۹۶۳) یا در حین ممنوعیت (۱۹۶۳ – ۱۹۸۱) و پس از لغو ممنوعیت فعالیت آن ایفا کرد، می‌پردازد و در مرحله بعدی به تولد جنبش تجدید در دهه ۹۰ تا آغاز یک روند دموکراتیک اجتماعی در سال ۲۰۱۲ اشاره می‌کند.

این کتاب به دو بخش تقسیم می‌شود: یک بخش عربی و بخشی دیگر فرانسوی. بخش اول خود به سه فصل اصلی تقسیم می‌شود که دربردارنده مقالاتی است که در فاصله سال‌های ۱۹۸۱ تا ۲۰۱۷ در روزنامه «راه جدید» منتشر شده بود و با توجه به دارا بودن ۳۳ مقاله، بزرگ‌ترین بخش این کتاب به شمار می‌آید. اما

بخش دوم این کتاب دربردارنده مقالاتی در تمجید از

مبارزانی همچون عبدالحمید بن مصطفی (مارس ۱۹۲۶ – سپتامبر ۲۰۱۷) و عبدالعجید التریکی (سپتامبر ۱۹۴۷ – فوریه ۲۰۱۹) است.

در آخرین قسمت از این بخش نیز مهمترین ایستگاه‌ها و نقاط عطف

در تاریخ جنبش کمونیست تونس به شکل یک جدول زمانی، شامل

مهمترین تحولات و رخدادهای تاریخی کمونیست‌ها و به طور کلی

کتاب نیز به گرا در تونس ارائه شده است. بخش فرانسوی از این

مقالات منتشر شده در روزنامه «راه جدید» در فاصله سپتامبر ۲۰۰۴

الی اکتبر ۲۰۰۹ آمده است و در بخش دوم نیز مقالات مربوط به

تجلیل از شخصیت‌های برجسته چپگرا یا مارکسیست از جمله بول

صیاغ، محمد حرمل، جولیات بسیس، یاتریس سلامه و الحبيب عطیله

منعکس شده است.

با بازگشت به بزرگ‌ترین بخش این کتاب که همان مقاله‌های منتشره

در روزنامه راه جدید در دهه ۱۹۸۰ هستند، درمی‌یابیم که موضوعات

متعددی شامل مناسبت‌های فراوان و بسیاری از تاریخ‌های مهمی که

حزب کمونیسم از زمان لغو ممنوعیت فعالیت خود در سال ۱۹۸۱ به ثبت

رساند را دربر دارد و همچنین گفت‌وگوهای متعددی با شخصیت‌های

برجسته جنبش کمونیست که نقش‌های مهمی در رخدادها و تحولات

مختلف در تاریخ این جنبش ایفا کردند در آن مطرح شده است. در واقع

به دلیل ضیق وقت و محدودیت عرصه، برای ما دشوار است که تمامی این

مقالات را مطرح کنیم، چرا که جزئیات متعددی در آن وجود دارد، اما در

این کتاب به مهمترین این مقالات خواهیم پرداخت. چنین این مقالات

نیز بر اساس ترتیب زمانی تنظیم شده است امری که ما را به در پیش

گرفتن روشی برای تجمیع این مقالات بر اساس تکیه بر عناصر محوری

متمم‌کز بر وحدت موضوع سوق می‌دهد.

تاریخ‌ها و مناسبت‌های مهم

این مقالات به مناسبت‌ها و اعیاد ملی متعدد، از جمله سالروز تاریخ استقلال تونس پرداخته‌اند و در ۲۰ مارس ۱۹۸۲ و روز کارگران در ۲ مناسبت، یعنی ابتدای مه ۱۹۸۲ و ۳۰ آوریل ۱۹۸۳ تألیف شدند و به واسطه این دو مناسبت، به ارتباط گسترده بین حزب کمونیست

^[1] «ارسطو؛ راهنمای سرگشتگان» تالیف جان

^[2] «ارسطو؛ راهنمای سرگشتگان» تالیف جان